گفت‌وگوی «جام جم» با محمدرضا ورزی نویسنده و کارگردان فیلم «پروین»

پروین؛ شاعری که خشی نبود!

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

با محمدرضا ورزی درباره فیلم «پروین» هم‌سخنی کردیم که به ابعاد خاصی از بازه ویژه‌ای از زندگی شاعر معاصر، پروین اعتصامی می‌پردازد. امروز باید با نگاهی نو برنامه‌سازی کنیم، زیرا ذائقه‌ها تغییر کرده حتی با نگاه سه سال پیش نمی‌شود برای امروز فیلم ساخت. باید تابو را بشکنیم نه که سیاه حرف بزنیم. در فرهنگ ایرانی بسیار سوژه و مایه کار وجود دارد و باید به جوان‌های نوگرا زمینه کار بدهیم. این فرازها را که از کارگردان و نویسنده معمای شاه شنفتم، علاوه بر بررسی فیلم پروین با همدیگر به برخی دردها و نارسایی‌های حاشیه‌ای نیز پرداختیم. به بهانه پخش این فیلم در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر گفته‌های ورزی را مرور می‌کنیم.

تاریخ معاصر و چهره‌های مؤثر و ماندگار مانند رازی به گواهی دستاوردهاتان از دلمشغولی‌ها و دغدغه‌های عمری شماست؛ آنچه شما را برمی‌انگیزد پیشتر و بیشتر از دیگر مؤلفه‌ها به این بازه تاریخی چشم‌پژوهش بدوزید، چیست؟

تاریخ باید به درد امروز بخورد. نگاه من همیشه به تاریخ این‌گونه بوده. به‌عبارتی چیزی که برای امروز کارآمد نباشد سراغش نمی‌روم. باید موضوع‌های امروزین را پوشش بدهیم، به‌ویژه موضوعاتی که در جامعه جاری است و دغدغه‌های نسل جوان و علامت سؤال‌هاشان را. همچنین از آنجا که فرهنگ کتابخوانی تا اندازه چشمگیری کم‌رمق شده، پس شاید بتوان از رهگذر تهیه و تولید سریال، فیلم و مستند آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی کرد.

بخش دیگر قضیه، نارسایی و ضعف حافظه تاریخی است که خیلی چیزها زود به فراموشی سپرده می‌شود؛ این چنین زمان‌هایی است که جای مظلوم و جلاد عوض می‌شود و زمان واقعا خطرناکی است. مثلا جریان‌هایی حتی نسبت به تاریخ پهلوی البته بعضا عرض پشیمانی می‌کنند! که چرا انقلاب کردیم چه نیازی بود در حالی که کافی است فقط دو برگ از این بازه تاریخی را ورق بزنند تا دریابند، چرا انقلاب شد و چه ضرورت‌هایی داشت. در این راستا تنها کافی است که به پیمان سعدآباد نگاهی ویژه انداخته شود برای این که لازم است امروز بتوانیم روشنگری کنیم تا در ادامه به سوی آینده پیش برویم.

تاریخ در درجه نخست برای دولتمردان ما مفید و کارآمد و راهنماست و نیز برای اقشار مردم به‌خصوص نسل جوان که بسیار مهم هستند و خودم همیشه بر این مهم تاکید داشته و دارم.

درباره پروین اعتصامی، حرف از چیست؟ خواست فیلم گزارش زندگینامه است که در کتاب‌ها می‌توان خواند اما آیا قرائتی داشته‌اید که بتواند روشنگری کند و افق‌های معرفتی را بر ذهن مخاطب جوان بگشاید؟

کوشش فیلم همین بوده که قرائتی از آن زمان و روند زیست این شخصیت ارائه بدهد که نسل جوان به روشنگری برسد از این حیث که مفاخر ما به‌راستی چه کسانی بوده‌اند، همچنین در این‌باره که آیا پروین در زمان خودش در این جای و جایگاه بوده؛ خیر! جبر زمانه خیلی آزارش داد، مشکلاتی داشت که تا این مرحله رسیدن و افتخار داشتن در زمان زندگانی‌اش ممکن نشد و بهره‌ای از این نام‌آوری و افتخار نبرد و پس از فوت بیشتر شناسایی شد.

حرفی که برای گفتن دارد؟

منکوب کردن زن در آن دوران است و این که زن را در آن دوران از چه منظری نگاه می‌کردند. این خیلی مسأله مهمی است. جامعه خشن مردانه آن زمان چه نگاهی به زن و حضور زن در جامعه داشت؛ همه این مسائل برایش و در شعرش مطرح بوده در حالی که زنان ما امروز واقعا در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... فعالند. این مسائل را باید ببینیم. نمی‌توانیم چنین دستاوردهایی را یعنی وارد شدن زنان در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و... نبینیم. اینها نکته‌هایی است که فعلا درباره شعر پروین به ذهنم می‌رسد.

پروین اعتصامی بیشتر سراینده‌ای حکمت‌گرا به‌شمار می‌رود. هرچند حکمت جایگاه ارزنده‌ای دارد اما شعر ناب چیز دیگری است.

با این واژه‌ها مقداری مسأله دارم، عرض من این است که خانم اعتصامی چون پیرو سبک ناصرخسرو قبادیانی و بسیار متاثر از او بود، ناصرخسرو نیز در رباعی، علاوه بر چکامه‌ها و قصیده‌ها، بسیار نامی است. پروین نیز دوبیتی‌ها و تک‌بیتی‌های واقعا ناب دارد. اندرز و پند و حکمت در آن اشعار نهفته است. حتی اعتراض! که در بسیاری شعرهایش صدای اعتراض است. سبک او با مثلا فروغ فرخزاد متفاوت است. سبک فروغ را من شعر سیاه می‌نامم. البته رهبر معظم انقلاب هم درباره ایشان فرمایش مثبت دارند. این نکته خیلی مهمی است و نباید این را نادیده گرفت. فروغ شاعری درجه یک و توانمند بود. بنده گاهی که ظهیرالدوله می‌روم می‌دانید در آنجا چهره‌ها و شاعران زیادی آرمیده‌اند؛ یکی از کسانی که حتما سر خاکش می‌روم و برایش فاتحه می‌خوانم فروغ فرخزاد است. من مخالف فروغ نیستم اما سبک او با پروین فرق دارد اما این مرزبندی‌ها بین این دو چهره را گروه‌هایی روشنفکر کشیدند و اینها را ابزارشان کردند، حتی شما اگر خانم فروغ را می‌دیدی و از او می‌پرسیدی؛ اینها را اصلا نمی‌پذیرفت و قبول نداشت مانند کسانی که در جبهه ملی بادکتر مصدق در زمان زندگی‌اش دشمن بودند اما بعد از مرگش چون آدم بزرگی در میان‌شان نداشتند او را به خود بستند و نامش را ابزار رسیدن به برخی اهداف کردند و دکتر مصدق گوشدند!

پروین، دیوان وزین دارد و اشعارش تاثیرگذار است که از متن جامعه برخاسته مثلا شعر لطف الهی یا محتسب و مست که از ویژه‌های دیوان اوست و من از دیرباز به این خانم ارادت داشتم و می‌خواستم در حد بضاعت خودم برای ایشان کاری بکنم. در فرصتی دیگر درباره فیلم باید با همدیگر دربیفتیم! و به نظر و نقد بکوشیم.

نگاهی هست که پروین را یک بانوی منزوی و شکست‌خورده و دور از اجتماع می‌شمارد، بدون کنش اجتماعی و گوشه‌نشین؟

او واقعا در ازدواج شکست خورده و گوشه‌نشین بوده خوب! وقتی منزوی بوده پس بوده اما یک بزنگاه طلایی هست و من به همان پرداختم. ابدا از آن خنثی‌های بی‌خاصیت نبوده. مگر می‌شود یک آدم خنثی چنین دیوانی بپردازد! یک دیالوگی در فیلم دارم که آقای فضل‌ا... گرکانی در انجمن دانشوران بر او نکته می‌گیرد شما که در ازدواج شکست خورده‌ای چگونه در دیوانت از عشق می‌سرایی! پروین پاسخ می‌دهد مگر عشق را شما تنها در زن و مرد می‌بینی؟ عشق به خدا بالاترین عشق‌هاست. عشق به مردم، عشق به میهن، همه اینها عشق است! او حرف می‌زند و پاسخ می‌دهد. ملک‌الشعرای بهار او را بسیار کمک می‌کند. ملک‌الشعرا به پدرش می‌گوید، بگذارد انجمن دانشوران و فضای منفی‌اش را درک بکند هرچند با او مخالفت کردند و... بگذارد نقد و برخورد منفی را تجربه بکند و همش با تعریف و تحسین من و شما روبه‌رو نباشد این بخش را باید ببینند، زیرا فقط آفرین‌گویی فایده ندارد حتی اعتراض می‌کنند که چه کسی گفته زن به انجمن دانشوران بیاید! و پروین جواب می‌دهد!

یعنی برخلاف الان که بسیار فضا تغییر کرده، هرگز فضا به نفع خانم‌ها نبوده و کسانی که می‌گویند با کشف حجاب خوش به‌حال خانم‌ها شد، گمان باطلی دارند؛ اصلا این‌گونه نبوده! فقط زن را مستمسک قرار دادند و در آن دوره شخصیت والای زن را ارج ننهادند. پروین مقاومت می‌کند؛ برای این‌که خودش را تثبیت کند و... حقانیت زن، یعنی خودش را نشان دهد و ثابت کند و فیلم به این موضوع می‌پردازد.

البته پروین در جاهایی کم می‌آورد، آزار می‌بیند و منزوی می‌شود.

داستان ازدواجش بدجور شکسته‌اش می‌کند، منتها ابوالفتح اعتصامی برادرش در مصاحبه‌ای، بسیار محافظه‌کاری به خرج می‌دهد و می‌گوید: به پروین از طرف شوهرش دست‌درازی نشده و او کتک نخورده! آن هم از یک شهربانی چی که بسیار خشن بوده و با وجود آن رفتارها و آزارگری‌ها بعدها ترفیع هم می‌گیرد. در شعر پروین می‌توانید ببینید بسیار آزار دیده و چه رنج‌هایی کشیده! مگر می‌شود کسی در حالت مستی مجادله کند و دست بلند نکند و چاک دهن نگشاید؛ تعارف نداریم. فقط تحقیر نبوده، نه فقط پروین را تحقیر می‌کرده، بلکه کتکش نیز می‌زده است.

من در خدمت رهبر انقلاب از ایشان شنیدم که گفتند درباره شاهنامه و قصه‌های آن کار کرده و آثار تولید کنید! در حالی که کسانی در این‌باره چون‌وچرا می‌کنند

کنسول انگلیس در ملاقاتی با پروین می‌گوید: برای ما خیلی جالب و چشمگیر است که زن ایرانی در چنین جامعه‌ای با چنین خفقانی توانسته چنین شعرهایی بگوید که پروین پاسخ می‌دهد: شما نیز در مملکت خودتان برای زنان خفقان ایجاد کرده و می‌کنید. خواهران برونته برای چاپ کتاب‌شان از یک نام مردانه بهره بردند، زیرا زنان انگلستان وضع چندان مناسبی ندارند که شما دارید این چنین فخر می‌فروشید! به هر روی گل بی‌عیب، خداست و ما در حد بضاعت خودمان تلاش‌مان را کردیم و ممکن است فیلم، کاستی‌هایی هم داشته باشد اما کاری انجام دادن بهتر از تلاش نکردن و کاری صورت ندادن است.

ویژگی رنگ، دکور و چشم‌نوازی فضا را می‌توان ستود!

من سعی کردم فضاسازی فیلم را مانند خواب ببینم و همان‌گونه فیلم را به تصویر بکشم؛ تصور کنید خواب چگونه است.

از موسیقی بهزاد عبدی نگذریم. ویژگی کار او در این فیلم چیست؟

برعکس دیگر آثاری که در تولید شان به موسیقی نیاز داریم، این کار اما کار موسیقی‌محور نیست، هرچند بهزاد عبدی در یک فضای خلاقانه واقعا کارفوق‌العاده زیبایی ساخته؛ انگار این موسیقی با همان خواب همدل و همراه بوده و ساز شرقی «دودوک» در طراحی ما محوری بوده و جایگاه برجسته‌ای دارد. سازی که البته قدا ست دارد و مال ماست. این ساز را بهزاد عبدی به‌عنوان صدای اصلی ارکستر پیشنهاد داد، من هم استقبال کردم تا سازی که در ارکستر فرماندهی می‌کند، دودوک باشد. همان‌گونه که شما گفتید، سازی جهانی شده است؛ اولین‌بار مارتین اسکورسیزی برای «آخرین وسوسه‌های مسیح» از دودوک استفاده کرد.

از کم‌کاری‌های ما و خوش به حال استعمار، همین بس که برای چهره‌های فرهنگی و علمی و مفاخر بزرگ‌مان کار تولیدی درخور و البته پرشمار نداریم!

زمانی که برای رازی تله‌فیلمی می‌ساختم، دغدغه برخی مسئولان پی‌بردن به شاخه مذهبی این یا آن چهره بود. جالب این‌که یک سال مدیر وقت شبکه یک این فیلم را توقیف کرد که چرا باید ساخته می‌شد. رازی که ملحد بوده! پاسخ گفتم آیا شهید مطهری بیشتر و بهتر می‌داند یا شما که تاکید دارید او به تشیع مشرف شده بود. رهبر معظم انقلاب چه تجلیل‌هایی که از این چهره دارند. علامه مهدی محقق چه کتاب گرانسنگی در این‌باره تالیف کرده! که رازی شناس بزرگ ماست. البته در ارزیابی هم بخشی از فیلم تصویربرداری نشد و بعدها معاونت وقت سازمان با توجه به آگاهی از فرمایش رهبری درباره رازی و... پروانه پخش تله‌فیلم «فیلسوف ری» را داد. اینها درد است، اینها را چاپ کنید، همه‌اش داریم کار سیاسی می‌سازیم. خود من در خدمت رهبر انقلاب از ایشان شنیدم که گفتند درباره شاهنامه و قصه‌های شاهنامه کار کرده و آثار تولید کنید! در حالی که کسانی در این‌باره چون‌وچرا می‌کنند! ولی ببخشید! مگر آیا شما بیشتر می‌فهمید! با این‌که در راستای فرمایش رهبر معظم اعلام کردیم آمادگی داریم در قالب تله‌تئاتر از قصه‌های شاهنامه با همکاری کارگردان‌های مختلف اثری بسازیم، همچنان استقبالی از این موضوع نشده و هیچ اتفاقی هم نیفتاده است. اینها درد است، اینها را بنویسید، جام‌جم نباید تعارف بکند! جام‌جم سابق نباشید که ملاحظه مدیران را می‌کرد! بگذارید نقد بشویم. نقد، چیز خوبی است، بگذارید سر بلند کنیم.

برش

پروژه نفوذ در تولیدات فرهنگی و هنری

پروژه نفوذ که شاخ و دم ندارد، همین دردهایی است که من و شما داریم که نمی‌گذارند درباره مولوی فیلم بسازیم و گروه ایرانی ناگزیر می‌شوند بروند ترکیه و مناسب خواست ترک‌ها برای مولوی فیلم بسازند! ما فیلمسازان بااستعداد جوان داریم، بیایند با نگاه نو درباره نظامی و شاهنامه و مولوی کار بسازند تا پرچم سالن سینما و آنتن سیما بالا برود. الان اینها را می‌پسندند. من که آخر تاریخ سیاسی‌ام اما فقط تاریخ سیاسی ساختن، باعث می‌شود مخاطب پس بزند. اینها را منعکس بکنید تا مدیران بکوشند بیشتر کار کنند. صداوسیما پتانسیل بسیار بالایی دارد و می‌تواند کارهای فرهنگی بسیاری تولید کند که واقعا جای‌شان خالی است. هنوز امیدوار هستیم آقای جبلی جلوی اتفاقی را که در دوره قبل بود بگیرد که دوران بدی بود. البته هنوز در بدنه سازمان هستند کسانی که در لباس تعهد و تدین با نظام و سازمان ناهماهنگ هستند؛ البته سربسته گفتم. من ۵۰ فیلم سینمایی هم بسازم، آخرش بااافتخار می‌گویم خانه من رسانه ملی است؛ ما دغدغه‌مند رسانه ملی هستیم.